

هنر اژه و یونان



هدف‌های رفتاری : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند :

- ۱- سازندگان تمدن اژه‌ای را نام ببرد.
- ۲- نقش هنر اژه‌ای را در هنر یونان بیان کند.
- ۳- ویژگی‌های هنر اژه‌ای را توضیح دهد.
- ۴- علت رشد هنر یونان را شرح دهد.
- ۵- شیوه‌های هنر یونان را نام ببرد.

- ۶- ویژگی شیوه هندسی را شرح دهد.
- ۷- ویژگی های هنر شیوه باستانی را توضیح دهد.
- ۸- ساختار معابد را شرح دهد.
- ۹- خصوصیات هنر پیکره سازی کلاسیک را شرح دهد.
- ۱۰- ویژگی پیکره سازی دوره هلنی را شرح دهد.

۱- هنر اژه ای

تمدن اژه ای به دست مردمانی به نام مینوسی ها^۱ (ساکنان جزایر دریای اژه) و مینوسی ها^۲ شکل گرفت. مردم اژه بعد از گذر از دوره نوسنگی، وارد عصر شهرنشینی شدند و به سرعت به مدارج شهرنشینی پیشرفته ای رسیدند. مینوسی ها به دلیل نزدیکی و روابط تجاری با میانرودان و مصر، در جذب و انتقال تجارب این دو تمدن به سرزمین خود و انتقال آن به یونان نقش مهمی داشتند. در حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد زندگی شهرنشینی در جزیره کرت به اوج خود رسید.

اندکی بعد مینوسی ها، ساکنان جنوب یونان، ابتکار عمل را به دست گرفتند و جانشین مینوسی ها شدند. این اقوام در حدود ۱۱۰۰ پیش از میلاد و همزمان با شکل گیری تمدن یونان به خاموشی گراییدند. اژه ای ها در شکل گیری تمدن یونان نقش مهمی را ایفا کردند. امروزه بخشی از میراث هنری آن ها چون آثار معماری، قبور سنگی، تندیس سازی، نقاشی دیواری و سفال های منقوش آشکار شده اند (تصویر ۱). تندیس های انسانی ساده و از شکلی هندسی و زاویه دار برخوردارند و نقاشی دیواری آن ها نیز تنوعی از شکل های ساده هندسی تا طبیعت گرایی را نشان می دهند، در برخی از آثار هنری آن ها شادی، شوخ طبعی و حرکات موزون دیده می شود (تصویر ۲). هنر اژه ای با وجود تأثیرات شرقی از شخصیتی مستقل و نوظهور برخوردار است.



تصویر ۱- سفال با نقش جانور دریایی، دوره مینوسی، حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد، موزه برگامون



تصویر ۲- هنر مینوسی، نقاشی دیواری، صحنه گاو بازی، حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد، ارتفاع ۶۰ سانتی متر، موزه هراکلیون، کرت

۱- minoan/minoans. مینوسی ها ساکنان جزیره کرت (Cret) و جزایر سیکلاد (Cyclades) در دریای اژه بودند. این دریا بین یونان و ترکیه (آسیای صغیر) قرار دارد.

۲- Mycenaean. ساکنان جنوب یونان

۲- هنر یونان

۲-۱- سرزمین و مردم یونان

یونان نام سرزمین و کشوری به شکل شبه جزیره‌ای نامنظم و با جزایر بزرگ و کوچک در جنوب شرقی اروپا است. نخستین مردم شناخته شده‌ای که در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد وارد خاک یونان شدند، میسنی‌ها بودند، اندکی بعد مردم دیگری که به زبان یونانی سخن می‌گفتند و از شمال یونان وارد این سرزمین شدند و با میسنی‌ها در آمیختند و کم‌کم بر جزایر و سواحل دریای اژه و آسیای صغیر مسلط و به تدریج تمدن یونان را بنا کردند. در میان اقوام یونانی، دوریسی^۱ها و ایونی^۲ها مشهور هستند. دوریسی‌ها در خاک اصلی یونان و ایونی‌ها در جزایر و سواحل آسیای صغیر ساکن شدند و با تمدن‌های خاورمیانه ارتباط داشتند.

یونان در زمانی کوتاه به یکی از تمدن‌های بزرگ جهان تبدیل شد. آب و هوای مساعد، فراوانی منابع طبیعی، راه‌های امن دریایی، نزدیکی به تمدن‌های مصر و میانرودان، روح آزادی خواهی، نداشتن حاکمان مستبد و داشتن روحیه بازرگانی از عوامل مؤثر در رشد سریع تمدن یونان در مقایسه با دیگر تمدن‌های کهن بود.

۲-۲- شیوه یا دوره‌های هنر یونان

هنر یونان از آغاز تا انجام به چهار شیوه^۳ یا دوره، هندسی، باستانی، کلاسیک و هلنی تقسیم می‌شود و اوج آن در شیوه کلاسیک متجلی می‌شود.

۲-۱- دوره شکل‌گیری (شیوه هندسی): شیوه هندسی که به آن مرحله شکل‌گیری تمدن یونان نیز می‌گویند، از ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد به طول انجامید. یونانی‌ها از حدود ۸۰۰ پیش از میلاد با سرعتی شگرف در تاریخ ظاهر و در ۷۷۶ پیش از میلاد، نخستین بازی‌های المپیک^۴ را برگزار کردند و این زمان، آغاز تاریخ مستند یونان است.

هنر این دوره، شامل سفالینه‌هایی با نقوش هندسی، جانوری و انسانی است. تصاویر انسانی و جانوری ساده و به شکل هندسی روی سفال‌ها نقاشی می‌شد (تصویر ۳).



تصویر ۳- شیوه هندسی، مراسم سوگواری، نقاشی روی ظرف سفالی، سده هشتم پیش از میلاد، موزه متروپولیتن

۱- Doric

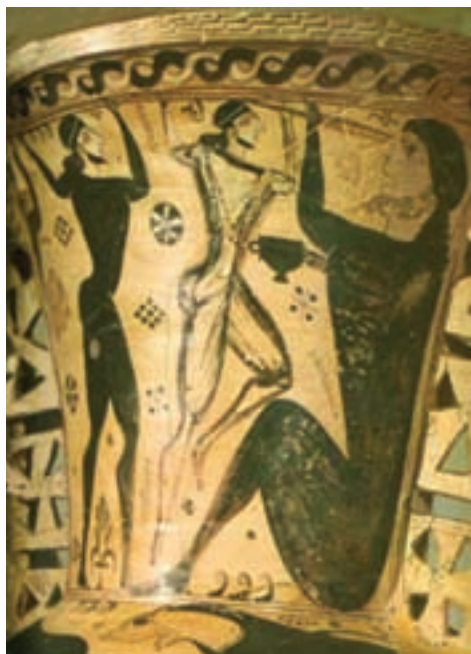
۲- Ionic

۳- به شیوه هندسی، دوره شکل‌گیری و به شیوه باستانی، دوره خاور مایی نیز گفته می‌شود.

۴- المپیک برگرفته از نام دشت المپیا است که یونانی‌ها در این محل هر چهار سال یکبار جشن و مسابقه برگزار می‌کردند.

مهمترین اتفاق در این دوره، نگارش دو حماسه ایلیاد^۱ و اُدیسه^۲ توسط هومر^۳ بود که داستان‌های این دو حماسه، موضوع نقاشی‌های روی سفال‌ها بود.

۲-۲-۲ دوره خاورمآبی (شیوه باستانی): دومین شیوه هنری یونان، شیوه باستانی^۴ یا خاورمآبی نام دارد. در آغاز این شیوه، یونانی‌ها از طریق رفت و آمدهای تجاری با تمدن و هنر سرزمین‌های میانرودان و مصر آشنا شدند و در فاصله ۷۲۵ - ۶۵۰ پیش از میلاد بخش بزرگی از هنرها و افکار تمدن‌های خاورمیانه را جذب و آن‌ها را با شیوه هنری خود هماهنگ و شیوه باستانی را به وجود آوردند. این شیوه یکی از مراحل مهم تکامل هنر یونان است. نقاشی‌ها و تندیس‌های شیوه باستانی جاندار، باحالت، پر جنبش و از تازگی و سرزندگی برخوردارند. در این دوره، سفالینه‌ها از نظر ساخت ظریف‌تر شدند و صحنه‌های زیبایی از تاریخ افسانه‌ای و زندگی روزمره مردم بر روی سفال‌ها با رنگ سیاه بر روی زمینه سرخ (نقاشی سیاه‌گون) نقاشی می‌شد. سفالگران این دوره به اندازه نقاشان به کار خود افتخار می‌کردند و نام خود را روی سفال‌ها می‌نوشتند (تصاویر ۴ و ۵). در تندیس‌سازی از سنگ برای آفرینش پایدار استفاده شد، یونانی‌ها در آغاز نه تنها روش کهنه کاری روی سنگ را از مصری‌ها یاد گرفتند بلکه، از سنت تندیس‌سازی آن‌ها یعنی حالت ایستادن با پای چپ به جلو و یک پارچگی و مکعب‌نمایی



تصویر ۵- نقاشی سیاه‌گون بر روی سفال (گردن کوزه)، کور کردن پولوفموس، ۶۵۰ تا ۶۷۵ پیش از میلاد، موزه التوسیسی



تصویر ۴- نقاشی سیاه‌گون بر روی سفال، صحنه پیشکش قربانی، حدود ۵۵۰ پیش از میلاد

۱- Iliade

۲- Odise

۳- Homer

۴- Archaic



تصویر ۶- تندیس هرا، سنگ مرمر، حدود ۵۷۰-۵۶۰ پیش از میلاد، موزه لوور

قلب بدن نیز متأثر شدند، با این تفاوت که تندیس‌ساز یونانی تلاش می‌کرد تمام جزئیات بدن را نشان دهد و از سنگ، نقشی جاندار و تأثیرگذار به وجود آورد، تندیس‌های یونانی هوشیار و هیجان‌زده و سرشار از جنبش و با نگاه مستقیم هستند. یکی از این نمونه‌ها، تندیس زنانه الهه هرا^۱ است که از معبد هرا در جزیره ساموس^۲ به دست آمده و ضمن شباهت به تندیس‌های مصری، دارای شکوه و وقار و روح است و جامه‌اش، تندیس را جاندارتر و زنده‌تر کرده است (تصویر ۶). در دوره باستانی معماری معابد سنگی نیز به سرعت رشد کرد. معابد یونانی اغلب به طرح مربع مستطیل با سقف شیروانی مانند و دورستونی هستند و نمای بالای ورودی ساختمان، شکلی مثلث مانند دارند که به آن سنتوری می‌گویند. یونانی‌ها از حجاری، نقاشی و تزئینات معماری بناهای مصری و میان‌رودانی آگاه بودند. اما آن‌ها تنها در نمای سنتوری‌ها اقدام به حجاری و ایجاد نقوش برجسته می‌کردند (تصویر ۷).



تصویر ۷- طرح خطی معبد دلفی، ۵۲۰ سال پیش از میلاد

۲-۲-۳ دوره کلاسیک: سومین شیوه یا دوره هنر یونان، کلاسیک^۳ نام دارد که اوج هنر یونان است و به خاطر تأثیر آن در معماری، تندیس‌سازی و نقاشی اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اساس هنر یونان در این دوره، نظم، تناسب و هماهنگی در جزء و کل، سادگی و استحکام، قرینه‌سازی ماهرانه، تعادل و توازن، غلبه عقل بدون فنا کردن احساس است. نماها و شکل ستون‌ها و سر ستون‌های این دوره حتی تا امروز هم در معماری جهان مورد توجه‌اند و تندیس‌های عهد کلاسیک، هنوز جزء عالی‌ترین نمونه‌های هنر تندیس‌سازی در جهان هستند.

هنر عهد یونان زمانی به کمال دست یافت که آزادی در جامعه یونانی تحقق یافت و هنرمند یونانی توانست احساس، عقل و طبیعت را در آثار خود مجسم سازد. شیوه کلاسیک بزرگترین ارمغان هنر یونان به جهانیان است.

۱- در اساطیر یونان نام الهه ازدواج است Hera - ۱

۲- Samos - ۲

۳- واژه کلاسیک (Classic) برای هنر یونان و روم به معنی کامل است.

در طول دوره کلاسیک، هنر معماری، نقش برجسته‌سازی، تندیس‌سازی و نقاشی نیز به منتهای پیشرفت رسید. سمبل معماری کلاسیک معبد پارتنون^۱ است که به شیوه دوریک^۲ یا دوریسی ساخته شده و تناسب و هماهنگی در جز و کل، ظرافت، دقت و استحکام به زیباترین شکل ممکن در آن جلوه‌گر شده است (تصاویر ۸ و ۹). شیوه هنری دوریک جدی، سنگین و نیرومند است و شیوه ایونی، نرم و دلپذیرتر است.



تصویر ۹- معبد پارتنون، نمای غربی، ۴۴۸-۴۳۲ پیش از میلاد، آتن



تصویر ۸- نقاشی، چگونگی ساختن معبد پارتنون

در این دوره ساخت تئاتر یا تماشاخانه سرگشاده در اغلب شهرها رایج بود. این نوع ساختمان به شکل نیم-دایره در شیب تپه‌ها با ردیف‌هایی از نیمکت‌های سنگی و محل نمایش به شکل دایره یا نیم دایره در مقابل نیمکت‌ها ساخته می‌شد (تصویر ۱۰).

از دیگر زیبایی‌های معماری یونانی تنوع ستون‌ها است. یونانی در ساختمان‌ها از سه نوع سر ستون به نام‌های دوریک (خاسته در خاک اصلی یونان) و ایونی (برخاسته در سواحل اژه و آسیای صغیر) و کرتی^۴ یا کرتی (ترکیبی از این دو نوع) استفاده می‌کردند (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۰- نمای یک تئاتر، میلتوس^۳، نزدیک از میر، ترکیه

۱- Parthenon.

۲- دوریک (Doric) یا دوریسی نام مردم سرزمین مرکزی یونان بود و آثار هنری آن‌ها به این نام خوانده می‌شود تا از آثار هنری

یونانی‌های ساکن سواحل آسیای صغیر و دریای اژه (ایونی‌ها) باز شناخته شود.

۳- Miletos

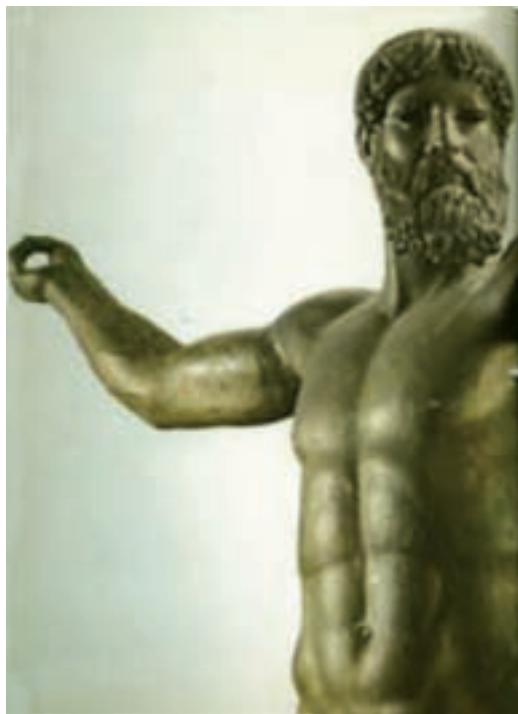
۴- Corinthian



تصویر ۱۱- ستون‌های یونانی

تندیس سازان این دوره با شناخت اندام انسان، با سنگ و فلز به ساخت تندیس پرداختند و تا مراحل تکمیل جزییات و حرکات بدن پیش رفتند و به نمای روبرو اهمیت دادند.

در تندیس مشهور دیسک پران، هدف مجسمه‌ساز این است که حالت خاصی از آرامش را در بدن انسان نشان دهد و چهره نیز بیان‌کننده وقار و تفکر و خویشتنداری باشد (تصویر ۱۲). از دیگر آثار برجسته، تندیس مفرغی زئوس^۱ در حال پرتاب نیزه است، در این تندیس، بدن حالتی پهلوانی دارد و حالت پرتاب به خوبی نشان داده شده است. تندیس سازان یونانی تلاش می‌کردند که تصویری آرمانی از انسان ارائه دهند (تصویر ۱۳). در این دوره، ساخت سنگ مزار نیز مورد توجه بود. از نمونه‌های برجسته سنگ مزار هِگِسُو^۲ است، نقش متوفی و خدمتکارش بسیار هماهنگ و حالت اندوه در نگاه خدمتکارش به خوبی منعکس است (تصویر ۱۴). در نقوش برجسته، ژرف‌نمایی در تندیس‌ها و نمایش حالت‌های بدن، مورد توجه قرار گرفت و از پارچه و لباس برای نمایش عمق و پرکردن فضا استفاده شد. در این دوره کمابیش نقاشی دیواری نیز مورد توجه بود که از ویژگی آن‌ها توجه به عمق‌نمایی بود.



تصویر ۱۲- دیسک پران، کپی مرمرین رومی از روی تصویر ۱۳- (دو تصویر سمت چپ) تندیس مفرغی زئوس، حدود ۴۶۰ پیش از میلاد، موزه آتن اصل مفرغی، حدود ۴۵۰ پیش از میلاد، موزه روم

۱- زئوس (Zeus)، خدای آسمان

۲- هِگِسُو (Hegeso)

۴-۲-۲ دوره هلنی^۱: حمله اسکندر به آسیا و تصرف بخش‌هایی از خاورمیانه، سبب

گسترش تمدن و هنر یونان از راه آسیای صغیر (ترکیه) به سوی شرق (سوریه، مصر، ایران تا مرزهای هندوستان) شد. در این دوره، هنر یونانی در سرزمین‌های تصرف شده با هنرهای محلی آمیخت و آثاری متأثر از هنر یونانی و سبک‌های محلی به وجود آمد که به سبک هلنی شهرت یافت. در ساخت کاخ‌ها، معابد و مقابر، از شکوه و جلال معماری شرقی استفاده می‌شد. در تندیس‌ها، شبیه‌سازی مورد توجه قرار گرفت. تندیس‌سازان به واقعیت‌های زندگی انسان‌های عادی توجه کرده و احساس انسان‌ها را به شکل هیجان، حسرت، نگرانی، رنج، خودخواهی و پیروزی در تندیس‌ها مجسم می‌کردند. تندیس و آرامگاه ماوسولوس^۳ در هالیکارناسوس^۴ در آسیای صغیر (تصویر ۱۵) و یک سر مفرغی (تصویر ۱۶) بیان‌گر شیوه هلنی است. در دوره هلنی، سبک کلاسیک در سرزمین اصلی یونان متوقف نشد و ادامه یافت. تندیس الهه پیروزی نمونه‌ای از آثار با ارزش این دوره است. این تندیس با بال‌های گشوده



تصویر ۱۵- پیکره ماوسولوس، سنگ مرمر، حدود ۳۵۱ پیش از میلاد، موزه بریتانیا



تصویر ۱۴- سنگ قبر هگسو، حدود ۴۱۰ پیش از میلاد، ارتفاع ۱۵۰ سانتی‌متر، موزه آتن

۱- واژه هلن یا هلنی (Hellen) نام دیگر کشور یونان

۲- دوره هلنی از زمان حمله اسکندر به آسیا تا زمان تسلط روم بر یونان است.

۳- Mausolus

۴- Halicarnassus



تصویر ۱۷- الهه پیروزی، سنگ مرمر، حدود ۱۹۰ پیش از میلاد،
ارتفاع ۲۴۰ سانتی‌متر، موزه لوور

در حال فرود بر دماغه کشتی است و حالت فرود بسیار زنده و هیجان‌انگیز و متعادل است و شکل بر خورد نسیم دریا در موقع فرود در چین‌های لباس نشان داده شده است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۶- سردیس مفرغی، از دلوس، حدود ۸۰ پیش از
میلاد، موزه ملی آتن

جدول گاهنگاری یونان		
آثار	زمان (قبل از میلاد)	دوره
	۲۶۰۰ - ۱۱۰۰	سبک‌گانه
	۴۰۰۰ - ۱۵۰۰	مینوسی
	۱۶۰۰ - ۱۱۰۰	مینوسی
	۱۱۰۰ - ۷۰۰	شکل‌گیری یا شیوه هندسی
	۷۰۰ - ۴۸۰	خاور مانی و شیوه باستانی
	۴۸۰ - ۴۰۰	کلاسیک
	۴۰۰ -	هلنی

ارزشیابی

- ۱- تمدن اژه در چه مناطقی شکل گرفت؟
- ۲- هنر اژه‌ای دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۳- چه عواملی در رشد سریع تمدن یونان مؤثر بود؟
- ۴- هنر یونان دارای چه شیوه‌هایی بود؟
- ۵- شیوه هندسی هنر یونان دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۶- چرا به دومین دوره هنر یونان خاورمآبی می‌گویند؟
- ۷- شیوه خاورمآبی یا باستانی دارای چه خصوصیتی است؟
- ۸- ساختمان معابد یونانی دارای چه ساختاری است؟
- ۹- تندیس‌سازی دوره کلاسیک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۱۰- منظور از شیوه هلنی چیست؟
- ۱۱- دوره هلنی چه تفاوت‌هایی با دوره کلاسیک دارد؟

اتروسک و روم باستان



هدف‌های رفتاری : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که

بتواند :

- ۱- نقش تمدن یونان را در شکل‌گیری تمدن اتروسک بیان کند.
- ۲- ویژگی‌های معماری اتروسک را توصیف کند.
- ۳- تندیس‌های تدفینی اتروسک‌ها را شرح دهد.
- ۴- زمینه‌های پیدایش هنر روم را شرح دهد.
- ۵- ارتباط هنر روم و یونان را بیان کند.
- ۶- انواع بناهای رومی را نام ببرد.
- ۷- ابتکارات رومی‌ها را در معماری ذکر کند.
- ۸- ویژگی اصلی تندیس‌ها و نقوش برجسته رومی را شرح دهد.
- ۹- هنر نقاشی و موزائیک‌سازی رومی را شرح دهد.

۱- اتروسک

اتروسک‌ها^۱ از اقوام ساکن در ناحیه مرکزی ایتالیا (توسکانی امروز) بودند که در اواسط هزاره اول پیش از میلاد دولت شهرهایی را تشکیل داده بودند، بنا به گفته هرودت^۲ مورخ یونانی آن‌ها از لیدی واقع در آناتولی به سرزمین ایتالیا مهاجرت کرده بودند. اتروسک‌ها با شهرک‌هایی که یونانی‌ها و فینیقی‌ها^۳ در سواحل جنوبی ایتالیا برپا کرده بودند، داد و ستد داشتند و با برخورداری از هنر و فرهنگ این دو ملت، فرهنگ شکوفایی را در سده‌های ششم و پنجم پیش از میلاد پدید آوردند. در پایان سده ششم پیش از میلاد مردمان ساکن منطقه‌ای که شهر روم مرکز آن بود، بر علیه اتروسک‌ها شوریدند و اعلام استقلال کردند و به تدریج بر قلمرو ایشان مسلط شدند و در سده سوم پیش از میلاد قلمرو اتروسک‌ها به جزئی از قلمرو کشور نوظهور تبدیل و هنر و فرهنگ آن‌ها در فرهنگ روم ادغام شد. اتروسک‌ها فقط از سرمشق‌های یونانی استفاده نکرده، بلکه هنر خاص خود را نیز خلق کردند. هنر و معماری آن‌ها ساده و روستایی مآب است، اما برخی از آثار آن‌ها بسیار هنرمندانه ساخته شده‌اند. نقشه معابد آن‌ها به شکل مربع ساده‌ای با ایوانی ستون‌دار و سقفی شیروانی مانند بود که بر روی سکویی نسبتاً بلند ساخته می‌شد و بر لبه بام تندیس‌های از جنس گل پُخته قرار می‌دادند (تصویر ۱). از دیگر ویژگی معماری آن‌ها استفاده از تاق‌های گهواره‌ای در ورودی شهرها بود که روش ساخت آن را از یونانی‌ها فراگرفته بودند. این نوع تاق بعداً الگویی برای معماری رومی‌ها شد (تصویر ۲). از ابتکارات دیگر آن‌ها، ایجاد خیابان‌های عمود بر هم بود.



تصویر ۲- دروازه شهر ولتررا^۴، حدود سده سوم پیش از میلاد



تصویر ۱- ماکت یک معبد اتروسکی

در تدفین از هنر تندیس‌سازی استفاده می‌کردند و تابوت‌ها را به شکل نیمکت و از گل پُخته می‌ساختند و تندیس متوفی را روی آن‌ها قرار می‌دادند و سپس آن‌ها را رنگ آمیزی می‌کردند، یکی از

۱- Etruscan

۲- Herodotus

۳- Phoenician

۴- Volterra

آن‌ها تندیس دلنشین زن و شوهری است که نگاهی شاد، سر زنده و امیدوارانه از زندگی در دنیای پس از مرگ دارند (تصویر ۳). مقابر آن‌ها به شکل اتاق و دارای طاقچه‌هایی در پیرامون بود، سطوح بین طاقچه‌ها را با نقاشی‌هایی بسیار طبیعت‌گرایانه تزیین و شور و نشاط زندگی روزمره را در آن‌ها منعکس می‌کردند. تندیس سفالی رنگ آمیزی شده آپولون از آثار برجسته تندیس‌سازی اتروسک‌ها است که شکوه این خدای قهرمان را به خوبی نشان می‌دهد (تصویر ۴).

اتروسک‌ها در ساخت تندیس و اشیای مفرغی نیز توانا بودند که نمونه مشهور آن، تندیس مفرغی ماده گرگی است که به‌عنوان نماد شهر روم شناخته شده است، هنرمند به خوبی خشم و سرکشی را در چهره این گرگ نشان داده است (تصویر ۵).

تا پیش از سده پنجم پیش از میلاد، تندیس‌سازی اتروسک‌ها نشان‌دهنده شخصیت‌های واقعی نبود اما تحت تأثیر دوره کلاسیک یونان، این ویژگی را به‌دست آورد.



تصویر ۵— ماده گرگ، مفرغ، حدود ۵۸۰—۵۰۰ پیش از میلاد، موزه کاپیتالینو، روم



تصویر ۴— تندیس آپولون، گل‌پخته، حدود ۵۱۵—۴۹۰ پیش از میلاد، موزه ملی ویلا جولیا، روم



تصویر ۳— بخشی از یک تابوت از گل پخته، تندیس زن و شوهر متوفی، حدود ۵۲۰ پیش از میلاد، موزه ملی ویلا جولیا، روم

۲— روم باستان

۲-۱— تاریخ و سرزمین روم

رومی‌ها^۱ از اقوام لاتین بودند که در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد از اروپای شرقی به بخش مرکزی ایتالیا کوچ کرده بودند. آن‌ها در آغاز به صورت دولت شهری تابع اتروسک بودند، اما در

۱— نام روم با رُم (Rom) از شهر روم گرفته شده و بنا به افسانه‌ای این شهر توسط رُمُولُوس ساخته شده است. رُمُولُوس و رِمُوس

دو برادر بودند که توسط ماده گرگی بزرگ شدند.

حدود سال ۵۱۰ پیش از میلاد، اعلام استقلال کردند و با مرکزیت شهر روم (تساویر ۶ و ۷) نخستین حکومت خود را به شکل نظام جمهوری تأسیس کردند. در سده‌های سوم تا اول پیش از میلاد بر اتروسک، سپس بر سواحل جنوب ایتالیا، زیر تسلط رقیب آفریقایی خود کارتاژها^۱ و اندکی بعد بر سراسر ایتالیا، سیسیل و بیشتر اسپانیا مقدونیه و یونان و سواحل شمال آفریقا و بر بیشتر اروپای غربی، مصر، سوریه، آناتولی، ارمنستان و غرب میانرودان مسلط شدند و کم کم تمام این نواحی به نام روم شناخته شد. جمهوری روم اوایل سده اول پیش از میلاد دوام آورد و در این تاریخ سنای روم به اکتاوین (اگوستوس)^۲ لقب امپراتور داد، در اوایل سده چهارم میلادی، کنستانتین^۳ امپراتور روم که تازه دیانت مسیح را پذیرفته بود، پایتخت را از روم به شهر یونانی بیزانس (استانبول کنونی) منتقل کرد، در اواسط سده چهارم میلادی به دلیل اختلاف بین ایالات شرقی و غربی بر سر رهبری جهان مسیحیت، امپراتوری به دو بخش روم شرقی (بیزانس) و روم غربی تقسیم شد. روم غربی به دلیل هجوم اقوام ژرمن، سلت و... در سده پنجم میلادی به پایان عمر خود رسید اما بیزانس (ایالات شرقی) تا سده پانزدهم میلادی دوام آورد.

رومی‌ها از اتروسک‌ها و یونانی‌ها تمدن شهری را آموختند و هنر معماری، شهرسازی و تندیس‌سازی و نقاشی این دو قوم نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری هنر آن‌ها داشت (ن.ک به: فصل چهار). رومی‌ها هم در سواحل ایتالیا شهرک‌هایی ساخته بودند و از طریق این شهرک‌ها با فرهنگ و هنر یونان آشنا و به آن ارج نهاده و از آن ستایش می‌کردند. رومی‌ها نه تنها هنرمندان و آثار هنری یونان را به کشور خود منتقل می‌کردند، بلکه از آثار آن‌ها کپی‌های فراوان تولید می‌کردند. با وجود شباهت ظاهری هنر رومی با هنر یونانی، اما از آن متمایز است. رومی‌ها مردمی واقع‌گرا، خرد پیشه، عمل‌گرا و آینده‌نگر بودند و در جذب هنر دیگر ملل نیز تعصب نداشتند. آن‌ها علاوه بر هنر اتروسک و یونان، عناصر هنری ملت‌های مختلفی چون ایران، میانرودان، سوریه و مصر را نیز جذب کردند که نمونه آن پذیرش آئین ایزد مهر و ساخت معابد مهری در نقاط مختلف اروپا بود (تصویر ۸).



تصویر ۶- ماکت شهر روم در سده دوم میلادی



تصویر ۷- ماده گرگ در حال شیر دادن به رومولوس و رموس (سازندگان شهر روم) مفرغ، حدود ۵۰۰ پیش از میلاد



تصویر ۸- بازسازی معبد مهری، محراب، سده اول میلادی، ماینز، آلمان

۱- کارتاژ نام شهری در شمال آفریقا (تونس) که توسط فنیقی‌ها ساخته شده بود، آن‌ها در سده دوم و سوم پیش از میلاد بر دریای

مدیترانه و سواحل جنوبی ایتالیا مسلط بودند.

۲- Octavian / Augustus.

۳- Constantine

بدین ترتیب رومی‌ها هنر ملل مختلف را به خوبی با هم هماهنگ کرده و هنر خاص خود را پدید آوردند. هنر روم بیشتر در خدمت نیازهای سیاسی، یک دولت وسیع چند فرهنگی و چند قومی بود و می‌بایست سلیقه‌های گوناگون جامعه‌ای گسترده را ارضاء کند. شهر روم به‌عنوان مرکز سیاسی در اشاعه هنر، نقش کوچکی داشت و ایالات مختلف تابع روم، نقش مهمی در شکل‌گیری هنر روم داشتند. رومی‌ها با درکی درست، هنر دوره کلاسیک و هلنی را نه تنها در سرزمین خود به کار گرفتند بلکه آن‌را در سراسر اروپا رواج دادند، اما سرزمین‌های متصرفه شرقی (یونان، آسیای صغیر، سوریه و ...) کمتر تحت هنر رومی‌ها بودند و به‌سنت‌های محلی خود وفادار بودند.

۲-۲- هنر روم

۲-۲-۱- معماری: عالی‌ترین هنر رومیان معماری است که در شکلی با

شکوه و عظیم ظاهر شد. معماری آن‌ها براساس راه و رسم زندگی آن‌ها بود. آن‌ها در ساخت معابد، بناهای عمومی، حمام‌های پرتجمل (تصویر ۹)، استادیوم، میدان، بازار، کاخ، طاق نصرت، آمفی‌تئاتر، خانه‌های شخصی (ویلا)، جاده، پل و آبراه توانا بودند.

قدیمی‌ترین بنای آن‌ها معبد فورثونا ویریلیس^۱ در شهر روم است که ستون‌های آن یونانی و سکوی بلند آن اتروریایی است و فضای داخلی آن وسیع است (تصویر ۱۰ سمت راست). فضای داخلی این معابد شامل هشتی ورودی، تالار مرکزی و گنج‌خانه است. در این معابد تندیس خدایان نگهداری می‌شد.

نوع دیگری از معابد آن‌ها معبد سیبیل^۲ است که طرح مدور آن از کلبه‌های گرد روستایی روم و پلکان و نمای زیبای آن از معماری یونان الهام گرفته است. این بنا کم‌کم سرمشقی برای ساخت معابد گرد شد (تصویر ۱۰ سمت چپ). معبد پانتئون^۳ (معبد همه خدایان) یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین بناهایی است که بنای اصلی آن به‌صورت مدور و گنبد دار ساخته شده و ورودی آن دارای رواقی ستون‌دار است (تصویر ۱۱).



تصویر ۹- بازسازی یک حمام رومی



تصویر ۱۰- سمت راست، معبد فورثونا ویریلیس، سده دوم پیش از میلاد، روم. سمت چپ، معبد سیبیل، تیولی، سده اول پیش از میلاد

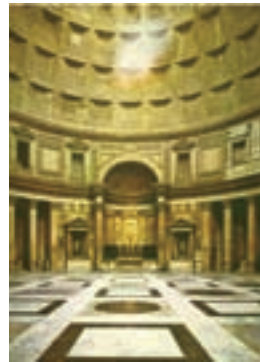
۱- Fortuna Virilis

۲- Sibyle

۳- Pantheon.



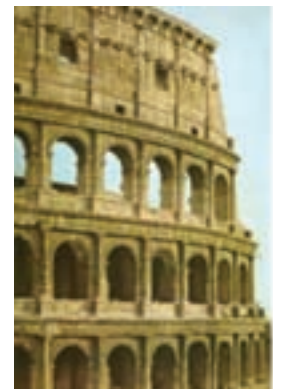
تصویر ۱۲- آبراه، ۱۶ تا ۲۰ پیش از میلاد، شهر نیم^۱ در جنوب فرانسه



تصویر ۱۱- معبد پانتئون و نمای داخلی، روم، ۱۲۵-۱۱۸ میلادی

رومی‌ها روش ایجاد دیوار با بتن و نماسازی با آجر، گچ و سنگ‌های نازک را از شرقی‌ها فرا گرفتند و قادر شدند بناهای عظیم خود را با سرعت و ارزانی به انجام برسانند. از دیگر ابتکارهای آن‌ها استفاده از تاق‌های گهواره‌ای یا قوسی در ورودی‌ها، پنجره‌ها و پنجره نماها و پل‌ها و آبراه‌ها بود که آن‌ها هم ریشه شرقی داشت (تصویر ۱۲).

یکی از شاهکارهای مهندسی و معماری رومی، ساختمان کولوسئوم^۲ (آمفی تئاتر یا تماشاخانه) سرگشاده شهر روم است که گنجایش ۵۰۰۰۰ نفر را دارد (تصویر ۱۳). در این ساختمان مدور از تاق‌های ساده گهواره‌ای در نمای خارجی و از تاق‌های متقاطع در راهروهای داخلی آن استفاده شده است. کنستانتین در سده چهارم میلادی برای افزایش گنجایش جمعیت در معابد، ساخت تالارهای دراز (باسیلیکا^۳) را مورد توجه قرار داد و اندکی بعد این نوع ساختمان، الگویی برای ساخت کلیساها شد. از دیگر مشخصه‌های معماری رومی ساخت تاق نصرت‌های یک یا سه دهانه بود که معمولاً آن‌ها را برای تجلیل از امپراتوران پیروز در جنگ‌ها می‌ساختند (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴- تاق نصرت کنستانتین، سده ۴ میلادی، روم

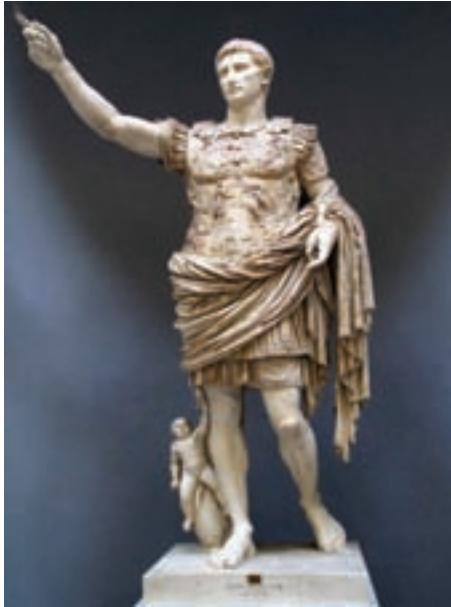


تصویر ۱۳- کولوسئوم (استادیوم - تماشاخانه)، روم، ۸۲-۷۰ پیش از میلاد

۱- nimes

۲- Colosseum

۳- Basilica



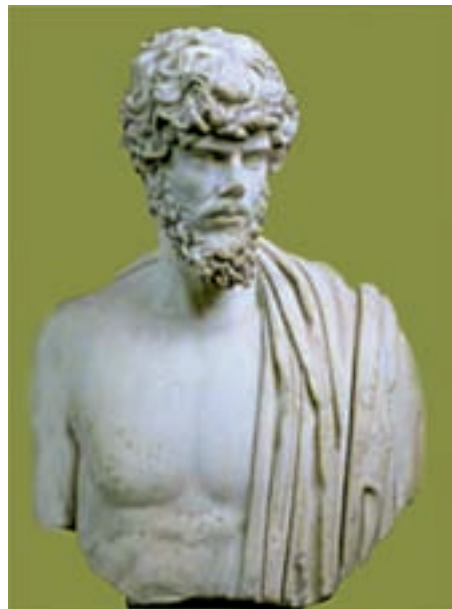
تصویر ۱۵- امپراتور اکتاوین، اهل پریماپورتا^۱، حدود ۲۰ پیش از میلاد، مرمر، بلندی حدود ۲۰۰ سانتی‌متر، موزه واتیکان، رم

۲-۲-۲- تندیس‌سازی : تندیس‌سازان بیشتر در زمینه نقش برجسته و

تک‌چهره فعال بودند و برای ساخت تندیس‌های تمام‌قد اغلب مدل‌های یونانی را کپی می‌کردند. مهمترین دست‌آورد آن‌ها واقع‌نمایی در تک‌چهره‌ها بود، از این‌رو آن‌ها کمتر به صورت‌نگاری آرمانی یونانی‌ها توجه نشان می‌دادند. در تندیس‌سازی واقع‌گرایانه رومی، بازنمایی بدن نسبت به چهره، اهمیت کمتری داشت و غالباً تابع نمونه‌های ثابت و یکسان بود. البته این شیوه همواره مطلوب همه دولتمردان نبود، به‌طور مثال در زمان یکی از امپراتورهای روم اکتاوین، سبکی ترکیبی شکل‌گرفت که هدف آن ارائه تمثالی خیال‌انگیز و آرمانی از فرد معین بود (تصویر ۱۵). به عبارتی هر امپراتور سلیقه خود را اعمال می‌کرد، بعضی طالب آرمان‌گرایی یونانی و برخی طالب واقع‌گرایی دقیق بودند (تصاویر ۱۶ و ۱۷).



تصویر ۱۷- اسب‌سوار، مفرغ، سده اول میلادی، ارتفاع ۲۳۸ سانتی‌متر، موزه دلامارکو^۲، ایتالیا



تصویر ۱۶- تندیس مرد جوان، سده دوم میلادی، سنگ مرمر، موزه کپنهاگ

۲-۲-۳- نقوش برجسته : نقوش برجسته روی سنگ به دو گروه گزارشی (روایتی) و تدفینی

تقسیم می‌شوند. یونانی‌ها در ثبت وقایع از اساطیر سود می‌بردند، اما رومی‌ها برخلاف یونانی‌ها علاقه

۱- Prima Porta

۲- Della Marco



تصویر ۱۸- نقش برجسته، گفتگوی امپراتور با افسران رومی، سده اول میلادی، سنگ مرمر، ارتفاع ۲۰۶ سانتی متر، موزه پروفانو^۱

زیادی به مستندسازی و ثبت رویدادهای واقعی داشتند. البته رومی‌ها نیز در بعضی مواقع بی‌میل نبودند که عناصر تمثیلی و واقعی را با هم درآمیزند (تصویر ۱۸). رومی‌ها مانند آشوری‌ها (ن. ک. به : میانرودان)، در نقوش برجسته گزارشی یا روایتی، رویدادهای مختلف را در صحنه‌های دنبال هم قرار می‌دادند. آن‌ها بر روی لوحه‌های سنگی روی قبرها و تابوت‌های بزرگ سنگی مکعب شکل، اقدام به حجاری می‌کردند. در این حجاری‌ها، صحنه‌های زندگی روزمره و اساطیری، نوشته، علائم، نشانه‌ها و نقوش گیاهی و جانوری نقر می‌شد.

۲-۲-۴- نقاشی : رومی‌ها در نقاشی نیز مانند تندیس‌سازی به تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی پرداختند. بیشترین آثار نقاشی آن‌ها از شهرهای پمپی^۲ و هرکولانیوم^۳ در کاوش‌های باستان‌شناسی سده هیجدهم میلادی کشف شد. آن‌ها حتی گاه مضمون‌های اساطیری را با برداشتی واقع‌گرایانه به تصویر می‌کشیدند. آنان قواعد پرسپکتیو علمی را نمی‌دانستند ولی بدون به کار بردن آن، مسائلی چون کوچک‌نمایی نقش افراد و اشیاء و جَوْنمایی در فضا را با مهارت کامل حل می‌کردند. آن‌ها مضامینی چون صحنه‌های اساطیری (داستانی)، زندگی روزمره، طبیعت بی‌جان (تصویر ۱۹)، صحنه‌های بازی، مناظر معماری، باغ‌های پُرگل و گیاه (تصویر ۲۰) و صحنه‌های طنز و درام را به تصویر می‌کشیدند. به طور کلی، اگر چه نقاشی رومی در زمره بهترین تجلیات هنری جهان به‌شمار نمی‌آید، اما به لحاظ حفظ و تکمیل سنت‌های باستانی و انتقال آن به دنیای مسیحیت از اهمیتی خاص در تاریخ هنر غرب برخوردار است.

۲-۲-۵- موزاییک : هنر موزاییک نوعی هنر معرّق با سنگ‌های الوان کوچک برای تزئین سطوح معماری است که ریشه آن به خاورمیانه می‌رسد. یونانی‌ها و سپس رومی‌ها از موزاییک برای زیبا سازی کف بناها استفاده می‌کردند اما به تدریج انواع مضامین با کارکردی نقاشی گونه در دیگر بخش‌های ساختمان نیز به کار گرفته شد و اعتباری در حد نقاشی کسب کرد (تصویر ۲۱).

۱- Profano

۲- Pompey

۳- Herculaneum



تصویر ۲۰- منظره باغ، نقاشی دیواری (فرسکو) از خانه‌ای در حومه شهر روم، ۵۹۰ در ۳۰۰ سانتی‌متر، ۲۰ پیش از میلاد، موزه ملی روم



تصویر ۱۹- طبیعت بی‌جان، هراکلیوم، حدود سال ۵۰ میلادی



تصویر ۲۱- نقاشی موزاییک، حدود ۳۰۰ میلادی، پیازا^۲

جدول گاهنگاری روم باستان		
	۲۷ پیش از میلاد تا ۳۵۹ میلادی	دوره امپراتوری
	۲۷ - ۵۱۰ پیش از میلاد	دوره جمهوری
	۳۰۰ - ۷۵۰ پیش از میلاد	اتروسک

۱-feresco

۲- Piazza

ارزشیابی

- ۱- اتروسک‌ها تحت تأثیر چه تمدنی بودند؟
- ۲- معماری اتروسک دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۳- تندیس‌های اتروسک‌ها با چه موادی ساخته می‌شدند و چه خصوصیتی داشتند؟
- ۴- رومی‌ها با هنر یونان چه برخوردی داشتند؟
- ۵- معماری رومی دارای چه ویژگی‌هایی بود؟
- ۶- نقوش برجسته رومی دارای چه موضوع‌هایی بودند؟
- ۷- معبد سیبیل دارای چه ساختاری بود؟
- ۸- کدام نوع سازه از ابتکارهای مهم رومی‌ها در زمینه معماری بود؟
- ۹- مهمترین ویژگی تندیس‌سازی رومی‌ها چه بود؟
- ۱۰- نقاشی‌های رومی دارای چه خصوصیتی بودند؟
- ۱۱- موزاییک چگونه هنری بود؟